

اهمیت وجایگاه ولایت در اسلام



محمد تقی صرفی پور



بعد از حمد و سپاس خداوند حکیم و درود و صلوات بر سرور انبیاء حضرت محمد مصطفی و اهل بیت طاهرینش

یکی از مسائل بسیار مهم دین اسلام، مساله ولایت و امامت است. مساله ولایت انچنان مهم است که خدا به پیامبر (ص) اعلام کرد اگر مساله ولایت را برای مردم تبیین نکنی وظیفه پیامبریت را انجام نداده ای. وقتی هم پیامبر ولایت را اعلام کرد خداوند فرمود امروز دین کامل شد. الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دینا

و فرمود امروز دشمن از شکست شما ناامید شد. پس مواظب اختلافات داخلی باشید. مواظب دشمن درون باشید.

الیوم یثس الذین کفرو من دینکم فلا تخشوه و اخشون

اما درباره ولایت چند نکته را عرض می کنم:

1- مردم ایران در میان 58 کشور اسلامی تنها کشوری است که بر پایه ولایت حرکت می کند. ولایت با خون و گوشت هر ایرانی عجین شده است. هیچ ملتی را در جهان و در طول تاریخ پیدا نمی کنید که همانند ملت ایران، این چنین عاشق اهل بیت (ع) و امامان بوده باشد. بعنوان مثال وقتی ضریح حرم حسینی در قم ساخته شد و خواستند آن را به کربلا برده و در حرم حسینی نصب کنند در طول مسیر مردم ایران شگفتی خلق کردند. مردم با دیدن ضریحی که هنوز عراق نرفته و نصب نشده مانند باران اشک می ریختند حتی دختران و پسرانی که ظاهرشان غرب زده بود ولی آنها کیلومترها دنبال ضریح حسینی می دویدند.

اسامی اکثر پسرها و دخترها به عشق اهل بیت (ع)، اسامی امامان و فاطمه زهراء س وزینب ورقیه و معصومه و غیره است.

در محرم و صفر ارادت مردم ایران به اوج می رسد و دوماه عقد و عروسی را تعطیل می کنند و لباس سیاه می پوشند و برای مصیبت‌های حسین (ع) اشک می ریزند.

2- نکته دیگر اینکه امامان ما هیچکدام از مردم زمان خودشان راضی نبودند. امیرمومنان ع از مردم زمان خودش راضی نبود. امام حسن ع از مردم راضی نبود. امام حسین (ع) که بدست مردم زمان خودش کشته شد. هشت امام دیگر هم از مردم عصرشان راضی نبودند ولی حضرت امام از ملت ایران راضی بودند و الان هم مقام معظم رهبری از مردم ولایتمدار ایران راضیند.

از ابتدای انقلاب اسلامی استکبار جهانی فقط و فقط بخاطر ولایتمداری مردم ایران با ملت ما سردشمنی و جنگ پیدا کرد و اگر ما ولایت نداشتیم با ما کاری نداشت همانطور که با دهها کشور اسلامی غیرشیعه کاری ندارد.

از طرفی هر موفقیتی مردم ما داشتند چه در دوران دفاع مقدس و چه بعد از آن در ابعاد مختلف، بواسطه ولایتمداری بوده است.

استقامت ملت بزرگ ایران در مقابل تحریم‌های استکبار جهانی، بواسطه ولایت بوده است.

ملت ایران تنها ملتی است که منتظر واقعی امام زمان مهدی آل محمد (عج) است. هر جمعه در دعا‌های ندبه مردم ما اشک می ریزند و از خدا طلب ظهور آقا شون رو می کنند.

در این کتاب درباره ولایت مطالب متنوعی آورده شده است.

زمستان 1401. کرمانشاه

1-تعریف ولایت

ولایت به معنای سرپرستی است و در اصطلاح به سرپرستی و حاکمیت و رهبری امامان دوازده گانه بر مسلمین بعد از رحلت آخرین پیامبر الهی حضرت محمد ص ، گفته می شود.

2-اهمیت ولایت

طبق آیه تبلیغ و اکمال ، **اسلام بدون ولایت ناقص است**. {یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک و ان لم تفعل فما بلغت رسالته و الله یعصمک من الناس} (سوره مائده (5) آیه 67).

الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دینا (سوره مائده (5) آیه 3)

و طبق روایات ، هیچ عملی بدون ولایت قبول نمی شود: پیامبر اکرم (ص) فرمود: هنگامیکه به معراج رفتم، خدا بمن وحی کرد که:

ای محمد! من نظری بسوی زمین کردم و تورا از آن اختیار کردم و پیغمبر ساختم و اسم تو را از نام خود بر گرفتم که من محمود و تو محمدی! دوباره بر زمین نظری افکندم و علی را از آن برگزیدم و او را جانشین و داماد تو قرار دادم و نام او را از نام خودم بر گرفتم که من علیّ اعلی هستم و او علی است.

سپس فاطمه و حسن و حسین را از نور شما خلق کردم. آنگاه ولایت شما را بر فرشتگان عرضه کردم، تا هر که پذیرفت در پیشگاه من از مقررین شود.

ای محمد! اگر بنده ای آنقدر عبادت من کند تا خسته شود و بدنش مانند مشک پوسیده گردد ولی در حالی از دنیا برود که منکر ولایت شما باشد، او را در بهشتم جای نخواهم داد و در زیر عرشم سایه نخواهم بخشید.

در روایات است که در **هر عصری**، اعمال مردم آن زمان را به امام آن زمان عج عرضه می کنند اگر حجت امضاء کرد قبول می شود.

شطیطه نیشابوری شیعیان نیشابور شخصی بنام محمد بن علی را انتخاب کرده و امانتهایی شامل سه هزار سکه طلا و پنجاه هزار سکه نقره و مقداری پارچه و دفتری مهر و موم شده شامل هفتاد سؤال که در هر ورقی یک سؤال نوشته شده بود به او دادند تا به امام بعد از امام صادق (ع) که در آن زمان هنوز مشخص نبود، بدهد. و جواب سؤالات را بگیرد. همچنین زنی بنام شطیطه یک درهم و یک ژاکت به محمد بن علی داد تا به امام برساند. و گفت: این را به امام بده اگر چه کم است زیرا از فرستادن حق اگر چه کم باشد نباید حیا کرد!

محمد بن علی با جریاناتی خود را به امام کاظم (ع) رساند. و امام جواب سؤالات را بدون اینکه مهر و موم آنها باز شود، دادند. اما اموال را قبول نکردند، و فرمودند: درهم شطیطه و ژاکت او را بیاور! وقتی آورد، امام آنها را برداشت و فرمود: خدا از حق حیا نمی کند اگر چه کم باشد. ای ابو جعفر! سلام مرا به شطیطه برسان و این کیسه را که چهل درهم در آنست به او بده و بگو که من قسمتی از کفنه‌های خودم را که پنبه‌اش از روستای خودمان، قریه صیدا که قریه فاطمه زهرا (س) است و خواهرم حکیمه آنرا رشته است برای تو فرستادم و بدان که از زمان وصول اینها، نوزده روز دیگر زنده هستی. شانزده درهم را خرج خودت کن و بقیه را بعنوان صدقه و کارهای لازم دیگر قرار بده! و من برای خواندن نماز بر بدن تو می آیم.

سپس امام فرمود: ای ابو جعفر! اگر مرا بر بالین شطیطه دیدی بکسی اطلاع نده! که برایش بهتر است و این اموال را به صاحبانشان برگردان...

محمد بن علی بعد از این ملاقات به نیشابور برگشت و دید اشخاصی که امام اموال آنان را برگردانده همه پیرو عبدالله افطح برادر امام کاظم (ع) شده اند و فقط شطیطه بر صراط حق مانده است.

او سلام امام را به شطیطه ابلاغ کرد و کیسه پول و کفن اهدائی امام را به او داد. همانطور که امام خبر داده بود، شطیطه نوزده روز بعد از دنیا رفت و امام بر بالین او حاضر شد و بر او نماز خواند و به محمد بن علی فرمود: سلام مرا به یاران برسان و بگو: من و هر کسی که امام است باید بر جنازه‌های شما در هر شهری که باشید، حاضر شویم. پس از خدا در کارهایتان پرهیزید (موسوی اصفهانی، مکیال المکارم، ج ۱، ص ۱۱۸ - ۱۲۰ و همچنین ذبیح الله محلاتی، ریاحین الشریعه، ج ۴، ص ۳۶۲، دارالمکتب اسلامیه).

پیامبر اکرم علیه السلام در روایتی که یکایک امامان را به جابر معرفی فرمودند، تصریح کرده اند که:

بهم یمسک الله السماء ان تقع على الارض الا باذنه يحفظ الله الارض ان تمید باهلها¹

خدا به وسیله ایشان، آسمان را از این که بدون اجازه او بر زمین افتد، نگاهی می دارد و به وسیله ایشان، زمین را حفظ می کند که اهل خود را به نزل در نیاورد.

بحار الانوار/ ج 27/ ص 120

واگر همه اهل عالم بمیرند فقط دونفر زنده باشند یکی امام است و دیگری ماموم.

در روایتی از امام صادق ع ذکر شده که خداوند دوازده هزار عالم دارد که هریک از آنها از آسمانها وزمین های هفتگانه بزرگتر است و هیچ یک از موجودات این عالم ها نمی دانند که عالم دیگری وجود دارد و من بر همه این عالم ها حجت هستم. (تفسیر آسان)

حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) از رسول خدا (صلی الله علیه وآله) روایت می کند که آن حضرت فرمود :

مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَحْيَى حَيَاةَ نُشْبِهِ حَيَاةَ الْأَنْبِيَاءِ ، وَمُتَّ مِيتَةً تُشَبِّهُ مِيتَةَ الشُّهَدَاءِ وَيَسْكُنَ الْجَنَّةَ الَّتِي عَرَسَهَا الرَّحْمَنُ ، فَلْيَتَوَلَّ عَلِيًّا وَلْيُؤَاوِلْ وَلِيَّهُ ، وَلْيَقْتَدِ بِالْأَنْمَةِ مِنْ بَعْدِهِ ، فَإِنَّهُمْ عَتَرَتِي ، خُلِقُوا مِنْ طِينَتِي ؛ اللَّهُمَّ ارْزُقْهُمْ فَهْمِي وَعِلْمِي . وَوَيْلٌ لِلْمُخَالِفِينَ لَهُمْ مِنْ أُمَّتِي ؛ اللَّهُمَّ لَا تُبَلِّغْهُمْ شَفَاعَتِي .

کسی که دوست دارد چون پیامبران زندگی کند و هم چون شهیدان بمیرد و در بهشتی که همه درختانش را خدای رحمان کاشته مسکن گزیند پس باید ولایت و رهبری علی را بپذیرد و با دوستش دوستی کند و به امامان پس از او اقتدا نماید زیرا آنان خاندان من هستند و از طینت من آفریده شده اند ؛ خدایا ! فهم و دانش مرا روزی آنان قرار ده . و وای بر مخالفانشان از امت من ؛ خدایا ! آنان (مخالفان) را به شفاعت من نرسان .

1 - الکافی : 1/ 208 ، باب من فرض الله عزوجل ورسوله (صلی الله علیه وآله) ، حدیث 3 .

پیامبر فرمود :

¹بحار الانوار/ ج 27/ ص 120

لَضَرْبُهُ عَلَيَّ يَوْمَ الْخُنْدَقِ ، أَفْضَلُ مِنْ عِبَادَةِ الثَّقَلَيْنِ .

يك ضربتِ علی در جهاد روز خندق از عبادت جن و انس برتر است .

1 - الاقبال : 467 ; عوالی اللئالی : 86/4 ، حدیث 102 ، (با کمی اختلاف) .

پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) فرموده :

مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى آدَمَ فِي عِلْمِهِ ، وَإِلَى نُوحٍ فِي فَهْمِهِ ، وَإِلَى يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا فِي زُهْدِهِ وَإِلَى مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ فِي بَطْشِهِ ، فَلْيَنْظُرْ إِلَى عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) (42) .

کسی که می خواهد به آدم در دانشش و به نوح در فهمش و به یحیی بن زکریا در زهدش و به موسی بن عمران در سرعت و شدت عملش نظر کند ، باید به علی بن ابی طالب بنگرد .

42 - روضة الواعظین : 128/1 ، شواهد التنزیل : 103/1 ، حدیث 117 ؛ كشف الغمة : 1 / 113 ؛ بحار الأنوار : 38/39 ، باب 73 ، حدیث 10

أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ».

درباره آیه فوق جابر از پیامبر صلی الله علیه وآله سؤال کرد که اولی الامر که ما باید از آنها اطاعت کنیم کیانند؟ و حضرت فرمود: جانشینان من که اول آنها علی علیه السلام و بعد حسن علیه السلام و حسین علیه السلام سپس علی بن الحسین آنگاه محمد باقر که تو او را می بینی پس سلام مرا برسان ! سپس جعفر صادق و بعد از او موسی کاظم و بعد از او علی الرضا و بعد از او محمد جواد و بعد از او علی هادی و بعد از او حسن عسگری و بعد از او قائم منتظر مهدی علیه السلام هستند که بعد از من امام و پیشوا خواهند بود .⁽¹⁾

1. اثبات الهدی، ج 3، ص 123.

رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

صلت الملائکة علی و علی علی سبع سنین و ذلک انه لم ترفع شهادة ان لا اله الا الله الی السماء الا منی و من علی. (۵)

یعنی هفت سال فرشتگان بر من و علی درود فرستادند زیرا که در اینمدت کلمه طیبه شهادت بر یگانگی خدا بر آسمان بر نخاست مگر از من و علی.

(۵) ینابیع المودة باب ۱۲ ص ۱۶۱ ارشاد مفید جلد ۱ باب ۲ حدیث ۲

ولایت کلید مبانی اسلام

در محاسن برقی از زراره از امام صادق ع نقل شده که فرمود: اسلام بر پنج پایه بنا شده است: نماز، زکات، حج، روزه و ولایت.

زراره پرسید: کدام برترند؟ فرمود: ولایت برترین آنهاست زیرا کلید آنهاست.... و اگر شخصی همه شبها عبادت کند و همه روزها روزه بگیرد و همه اموالش را صدقه بدهد و در همه عمر خویش به حج برود ولی عارف به ولایت نباشد و اعمالش بر طبق ولایت نباشد، چنین شخصی اهل ایمان نیست و حقی برای دریافت ثواب از خداوند ندارد.

حجه الاسلام غزالی در کتاب نصیحت نامه خود خطاب به یکی از شاگردانش چنین می گوید: و در حدیثهای دیگر چه گویی: بنی الاسلام علی خمس: شهاده ان لا اله الا الله. وان محمدا رسول الله وان علیا ولی الله و اقام الصلوه و ایتاء الزکواه و صوم شهر رمضان و حج البيت من استطاع الیه سیلا

یعنی اسلام بر پنج چیز بنا شده یکی شهادت به توحید و نبوت و ولایت علی بن ابیطالب. دوم نماز. سوم زکات. چهارم روزه. پنجم حج برای کسی که مستطیع است.

ولایت نقطه جمع امت اسلامی است

در سوره سبا اه 147 آمده: قل ما سالتکم من اجر فهو لکم ان اجری الا علی الله و هو علی کل شی شهید

یعنی بگوای پیامبر، مودت و محبت نسبت به اهل بیت (ع) که بعنوان پاداش پیامبری خود خواستار آن بودم، سودش به خودتان باز می گردد که پاداش من، تنها از سوی خداوند است که او بر همه چیز شاهد است.

حضرت فاطمه س هم در خطبه فدکیه فرمود: **و ولایتنا امانا للفرقه... یعنی خداوند، ولایت ما اهل بیت را به منظور امان جامعه اسامی از تفرقه و پراکندگی قرار داد.**

3- آثار ولایت

در پرتو ولایت انسان به سعادت و کمال می رسد. (سَعْدُ مِنْ وَالَاکُمْ وَهَلْکُ مِنْ عَادَاکُمْ)

(ان الذین آمنوا و عملوا الصالحات اولئک هم خیر البریه) یعنی شیعیان بهترین های بشریت هستند.

همه انسان ها طالب سعادتند. همه طالب خوشبختی هستند. در حالی که از هفت میلیارد جمعیت دنیا

در سال 2013 فقط قریب پانصد میلیون نفر شیعه هستند و از این تعداد، افراد کمی امامت را می

شناسند. برای همین است که بشر بسوی تاریکی قدم برمی دارد. کار بشر بجایی رسیده است که بدیها

برای او خوب جلوه می کند و خوبیها برای او بد جلوه می کند. بی حیایی خوب و حیا بد است

و علامت عقب ماندگی است. کسی که دین دارد بد است و کسی که

در پرتو ولایت انسان از انحرافات عقیدتی و اخلاقی مصون می ماند و اگر ولایت نباشد انسان راه را گم می کند. (وان لم تعرفنی حجتک ضللت عن دینی).

مَثَل ولایت همانند کشتی نوح است که هر که در کشتی باشد نجات می یابد. (من اتکم نجی ومن لم یاتکم هلك)

کسی که با ولایت بمیرد شهید است. (من مات علی حب آل محمد مات شهیدا)

کسی که با ولایت زندگی کند همانند پیامبران زندگی کرده است: حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) روایت می کند که آن حضرت فرمود :

مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَحْيَى حَيَاةً تُشَبِّهُ حَيَاةَ الْأَنْبِيَاءِ ، وَيَمُوتَ مِيتَةً تُشَبِّهُ مِيتَةَ الشُّهَدَاءِ وَيَسْكُنَ الْجَنَّةَ الَّتِي غَرَسَهَا الرَّحْمَنُ ، فَلْيَتَوَلَّ عَلِيًّا وَلِوَالِدَيْهِ ، وَلْيَقْتَدِ بِالْأَئِمَّةِ مِنْ بَعْدِهِ ، فَإِنَّهُمْ عِزَّتِي ، خُلِقُوا مِنْ طِينَتِي ؛ اللَّهُمَّ ارْزُقْهُمْ فَهْمِي وَعِلْمِي . وَوَيْلٌ لِلْمُخَالِفِينَ لَهُمْ مِنْ أُمَّتِي ؛ اللَّهُمَّ لَا تُنِلْهُمْ شَفَاعَتِي .

کسی که دوست دارد چون پیامبران زندگی کند و هم چون شهیدان بمیرد و در بهشتی که همه درختانش را خدای رحمان کاشته مسکن گزیند پس باید ولایت و رهبری علی را بپذیرد و با دوستش دوستی کند و به امامان پس از او اقتدا نماید زیرا آنان خاندان من هستند و از طینت من آفریده شده اند ؛ خدایا ! فهم و دانش مرا روزی آنان قرار ده . و وای بر مخالفانشان از امت من ؛ خدایا ! آنان (مخالفان) را به شفاعت من نرسان .

کسی که ولایت دارد در امن و آرامش خواهد بود:

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود :

مَثَلُكُمْ يَا عَلِيُّ مَثَلُ بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ ، مَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا فَمَنْ أَحَبَّكُمْ وَوَالَاكُمْ كَانَ آمِنًا مِنْ عَذَابِ النَّارِ ، وَمَنْ أَبْغَضَكُمْ أُلْقِيَ فِي النَّارِ . يَا عَلِيُّ (. . .) وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنْ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا . . .) وَمَنْ كَانَ لَهُ عُذْرٌ فَلَهُ عُذْرُهُ ، وَمَنْ كَانَ فَقِيرًا فَلَهُ عُذْرُهُ ، وَمَنْ كَانَ مَرِيضًا فَلَهُ عُذْرُهُ ، إِنَّ اللَّهَ لَا يَعْذُرُ غَنِيًّا وَلَا فَقِيرًا ، وَلَا مَرِيضًا وَلَا صَاحِبًا ، وَلَا أَعْمَى وَلَا بَصِيرًا ، فِي تَفْرِيطِهِ فِي مُوَالَاتِكُمْ وَمَحَبَّتِكُمْ .

ای علی ! مثل شما اهل بیت همانند بیت الله الحرام است که هر کس بر آن درآید ایمن گردد پس هر که شما را دوست بدارد و شما را یاری رساند از عذاب آتش در امان خواهد بود و هر که به شما کینه ورزد به آتش در افکنده می شود . ای علی ! بر اساس کتاب خدا هر کس استطاعت دارد حج بر او واجب است پس آنکه عذری دارد معذور از رفتن است و آن که تهیدست است عذر او تهیدستی اوست و آنکه بیمار است عذرش بیماری اوست ، ولی خدا در کوتاهی نسبت به طرفداری و دوستی شما اهل بیت نه عذر توانگر ، نه تهیدست ، نه بیمار ، نه تندرست و نه کور و نه بینا را می پذیرد ! (خصائص الأئمه : 77) .

امامان معدن علوم مختلف هستند:

پیامبر (صلی الله علیه وآله) درباره امیرالمؤمنین (علیه السلام) و امامان پس از او فرمود :

فَهُوَ سَيِّدُ الْأَوْصِيَاءِ ، اللَّهُ حَقُّهُ بِهٖ سَعَادَةٌ ، وَالْمَوْتُ فِي طَاعَتِهِ شَهَادَةٌ ، وَاسْمُهُ فِي التَّوْرَةِ مَقْرُونٌ إِلَى إِسْمِي ، وَزَوْجَتُهُ الصَّدِّيقَةُ الْكُبْرَى ابْنَتِي ، وَأَبْنَاهُ سَيِّدُ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ ابْنَايَ ، وَهُوَ وَهُمَا وَالْأَيُّمَةُ بَعْدَهُمْ حُجَجُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ بَعْدَ النَّبِيِّينَ ، وَهُمْ أَبْوَابُ الْعِلْمِ فِي أُمَّتِي ، مَنْ تَبِعَهُمْ نَجَا مِنَ النَّارِ ، وَمَنْ اقْتَدَى بِهِمْ (هُدًى إِلَى صِرَاطِ مُسْتَقِيمٍ) (37) لَمْ يَهَبِ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مَحَبَّتَهُمْ لِعَبْدٍ إِلَّا أَدْخَلَهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ (38) .

او آقا و سرور همه اوصیاست ، خوشبختی و سعادت به او پیوند خورده است و مرگ در راه اطاعت از او شهادت است ، نامش در تورات کنار نام من است ، همسرش صدیقه کبری دختر من است ، دو پسر او سروران جوانان بهشت دو پسر من هستند ، او با آن دو و امامان بعد از آنان حجت های خدا بر خلق او پس از پیامبران اند و آنان در میان امت من درهای دانش هستند ، هر کس از ایشان پیروی کند از آتش نجات یابد و هر که به آنان اقتدا کند به راه راست هدایت شود ، خدا عشق و محبت آنان را به بنده ای نبخشیده مگر آنکه او را در بهشت وارد کرده است .

در عالم برزخ ولایت ، کمک کار انسان است:

شش صورت درقبر مؤمن !

امام صادق علیه السلام فرمود: هرگاه بنده مؤمنی می میرد، شش صورت به همراه او وارد قبرش می شود که دارای نورانیت و بوی خوش و پاکیزگی هستند ! صورتی در سمت راست مرده و دیگری در سمت چپ و سومی در مقابل و چهارمی در پشت سر و پنجمی در کنار پایش و آنکه از همه زیباتر است در بالای سر او می ایستند !

آنکه از همه زیباتر است، از دیگران، می پرسد: شما کیستید؟ صورت سمت راستی، می گوید: من نمازم ! سمت چپی می گوید: من زکاتم ! روبرویی می گوید: من روزه ام ! پشت سری می گوید: من حج و عمره ام ! آنکه نزد پایش ایستاده است، می گوید: من کارهای خیر توام !

سپس آنها از او که دارای زیباترین صورت است، می پرسند: تو کیستی که از همه زیباتری؟

او جواب می دهد: من ولایت آل محمد صلی الله علیه و آله هستم .⁽²⁾

4-وظیفه ما نسبت به ولایت چیست؟

الف:معرفت: امام شناسی بر همه شیعیان واجب و لازم است. (من مات ولم يعرف امام زمانه مات میتة الجاهلیه)

متأسفانه در زمینه شناخت امامان ع، اکثراً مشکل داریم و اکثر جوانان ما شناختشان نسبت به ولایت بسیار ضعیف است. و بخاطر همین ضعف عقیدتی است که عده ای از جوانان شیعه شکار منافقین و وهابیت و شیطان و پرستان و دیگر فرق ضاله می شوند.

باید جوانان شیعه آنقدر معرفت نسبت به ائمه ع داشته باشند که بتوانند برای دفاع از ولایت از قرآن کریم استدلال کنند. در اینجا استدلال یک زن ولایت را اثبات ولایت از قرآن کریم را در مقابل حجاج خونخوار و شیعه کش می آوریم:

خواهر رضاعی پیامبر در حضور حجاج خونخوار!

«حلیمة سعدیه مادر رضاعی رسول خدا (ص)، دختری بنام «حرّه» داشت که از شیعیان و دوستان حضرت علی (ع) شد. حرّه در زمان پیری، روزی به محفل حجاج خونخوار رفت.

حجاج به او گفت: شنیده ام که عقیده داری علی بن ابیطالب (ع) از ابوبکر و عمر و عثمان برتر است؟

حرّه گفت: هر که این حرف را زده، دروغ گفته است. زیرا من عقیده دارم که امیر المؤمنین علی (ع) نه تنها بر این سه نفر بلکه بر تمام پیامبران به غیر از رسول اکرم (ص) برتری دارد!

حجاج با شنیدن این سخن فریاد زد: وای بر تو! آیا علی (ع) را از پیامبران اولوالعزم نیز برتر می دانی؟

زن جواب داد: من او را برتر نمی دانم، بلکه خداوند او را بر تمام انبیاء برتری داده و در این مورد قرآن نیز گواهی داده است.

حجاج گفت: اگر بتوانی این موضوع را از قرآن ثابت کنی، نجات می یابی و الّا دستور می دهم که در همین جا تورا بکشند.

زن گفت: برای اثبات حرفم حاضرم و بر این عقیده پافشارم.

اما راجع به حضرت آدم(ع)، قرآن می فرماید: چون آن حضرت به درخت ممنوعه نزدیک شد، خداوند عمل او را نپذیرفت. «عصی آدم ربّه فنوی» ولی در مورد علی(ع) می فرماید: عمل شما خانواده عصمت و طهارت مقبول درگاه پروردگار است. (انّ سعیکم مشکوراً) انسان آیه

در جای دیگر راجع به آدم(ع) خدا به او فرمود: به این درخت نزدیک نشوید! ولی حضرت آدم(ع) ترک اولی کرد و به آن نزدیک شد و از میوه آن چید. اما خداوند همه چیز دنیا را برای امیرالمؤمنین حلال کرد ولی حضرت به دنیا نزدیک نشد.

در مورد برتری بر نوح(ع)، خداوند در قرآن می فرماید: او دارای زنی بدکار و کافر بود.

اما علی(ع) همسری داشت که خداوند رضایت خود را، رضایت او قرارداد داده بود.

در مورد برتری بر ابراهیم(ع) او به خدا عرض کرد که: خدا چگونه زنده شدن مردگان را بمن نشان بده! خدا فرمود: مگر ایمان نیاورده ای؟ گفت: چرا و لکن می خواهم دلم مطمئن شود.

اما علی(ع) می فرماید: اگر پرده ها کنار رود تamen غیب را ببینم، برای من فرقی ندارد و به یقین من اضافه نمی شود.

در مورد برتری بر موسی(ع)، وقتی خداوند به او امر کرد که برای دعوت فرعون به توحید، برود. او گفت: می ترسم مرا بکشند. زیرا یکنفر از آنها را کشته ام.

ولی در شبیکه چهل نفر از شمشیر زنان کفار می خواستند پیامبر(ص) را بکشند، حضرت محمد(ص) به علی(ع) فرمود: در جای من می خوابی؟ علی(ع) عرض کرد: آیا جان شما ایمن خواهد ماند؟ فرمود: آری!

علی(ع) عرض کرد: جان من فدای شما! و در جای پیامبر خوابید و ترسید.

اما در مورد برتری بر حضرت عیسی(ع) آمده که وقتی حضرت مریم(ع) خواست فرزندش را بدنیا بیاورد، خطاب رسید که از عبادتگاه بیرون برو! زیرا اینجا محل عبادت است نه محل تولد فرزند! در نتیجه حضرت مریم از مسجد الاقصی بیرون رفته و در بیابان، کنار درختی زایمان کرد.

ولی در زمان ولادت علی(ع)، کعبه شکافته شد و مادر علی(ع) داخل خانه شد و علی(ع) در کعبه متولد شد....

بعد از این سخنان، حجاج مبهوت ماند و نه تنها به حرّه اذیت نرساند بلکه به او پاداش هم داد.

وصیت پیامبر (ص) به علی(ع)

هنگامیکه رسول خدا(ص) در بستر رحلت افتاده بود، به علی(ع) فرمود: ای برادر! تو حاضر هستی به وصایای من عمل کنی و قرضهای مرا اداء نمایی و امور مرا بعد از من، اداره کنی؟

امیرمؤمنان(ع) فرمود: آری یا رسول الله! حضرت فرمود: نزدیک من بیا! علی(ع) نزدیک رفت. رسول خدا(ص) او را بخود چسباند و انگشت خود را درآورد و فرمود: این را بگیر و در انگشت خود نما! سپس شمشیر و زره و سلاح خود را خواست و آنها را به

علی(ع)داد.همچنین پارچه ای را که در وقت حمل سلاح،برشکم می بست،به علی(ع)داد وفرمود:با استعانت از خدا،به خانه خود برو.

همینکه مریضی پیغمبر سخت شد،ورحلت حضرتش گردید،به علی(ع)فرمود:ای علی!سر مرا در دامن خود بگذار که امر خداوند عالمیان رسیده است.چون روح من از بدنم خارج شد،آنها با دست بگیر وبر صورتت بکش.بعد صورت مرا بطرف قبله نما وبه تجهیز(غسل و کفن ونمازودفن)من پرداز.

واول تو بر من نماز بخوان واز من دور نشو تا مرا دفن کنی.ودر انجام همه این کارها،از خداوند یاری بطلب!

علی(ع)سر پیغمبر را در دامن خود قرار داد.در این موقع حضرت بیهوش شد.چشم فاطمه(س)که به این صحنه افتاد،گریست وندبه کرد وگفت:

«وایض یستسقی الغمام بوجهه ثمال الیتامی عصمة للارامل

یعنی پیغمبر،سفید رویی است که مردم ببرکت روی او طلب باران می کنندواو فریادرس یتیمان وپناه بیوه زنان است.»

رسول خدا(ص)صدای فاطمه(س)را شنید وچشمهای خودرا باز نمود وباصدای ضعیفی فرمود:ای دختر!این زبانهال عمویت ابوطالب بود.این را نگو!بلکه بگو:

«وما محمد الا رسول قد خلت من قبله الرسل.اَفان مات او قتل انقلبتم علی اعقابکم؟»آل

عمران 144» یعنی محمد(ص) فقط فرستاده خداست.آیا اگر او رحلت کند ویا کشته شود،شما به آیین پدرانتان بر می گردید؟»

وقتی پیغمبر رحلت نمود،علی(ع)مشغول غسل وتجهیز حضرت شد.اوفضل بن عباس را خواست وبه او فرمود که آب تهیه کند.فضل آب می آوردوعلی(ع)بدن حضرت را غسل می داد.همینکه تجهیز بدن پیغمبر تمام شد،علی(ع)جلو ایستاد وبه تنهایی بر بدن مقدسش نماز خواند.در این موقع عده ای در سقیفه بنی ساعده جمع شدند وخلیفه را انتخاب نمودند!!«متهی الامال»

استدلال امام سجاد (ع) برای اثبات ولایت

بعد از شهادت امام حسین (ع) ویارانش واسارت خاندانش،مردم شام که نزدیک چهل سال معاویه در آنجا حکومت کرده بود و همه را ضد اهل بیت علیهم السلام تربیت کرده بود، از

کشته شدن اهل بیت علیهم السلام خوشحال بودند و شهر را آذین بسته و مردم جشن گرفته بودند .

کاروان اسراء وارد شام شد و داشتند از مسیری عبور می کردند که پیر مردی آمد و به امام سجاد علیه السلام گفت: شکر می کنم خداوند را که شما را کشت و شهرها را از شما راحت کرد و یزید را بر شما مسلط کرد .

امام سجاد علیه السلام فرمود: ای شیخ آیا قرآن کریم خوانده ای؟ گفت: آری فرمود: آیا این آیه را خوانده ای «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ»⁽¹⁾.

ای پیامبر به مردم بگو در مقابل این همه زحمات پیامبری فقط از شما یک چیز می خواهم و آن دوست داشتن اهل بیت من است .

گفت: آری . فرمود: آنان ما میم .

ای پیر مرد آیا این آیه را خوانده ای: «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَى»⁽²⁾.

گفت: آری . فرمود: ما میم قری و نزدیکان رسول الله .

ای پیر مرد آیا این آیه را خوانده ای: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا»⁽³⁾.

بدرستی که خدا اراده کرده پلیدی را از شما برداشته و شما را پاکیزه و معصوم نماید .

گفت: آری . فرمود: ماییم اهل بیتی که قرآن ما را به این آیه مخصوص گردانیده . پیرمرد ساکت شده و از سخنان خود پشیمان شد و گفت: شما را به خدا شما آنهاید؟

حضرت فرمود: بخدا سوگند بدون شک ماییم و رسول الله جد ما است .

پیرمرد شروع به گریه کرد و عمامه اش را انداخت و سر به آسمان برداشت و گفت: خدایا من از دشمنی اهل بیت به تو پناه می برم .

آنگاه پرسید: آیا برای من توبه است؟ فرمود: آری اگر توبه کنی خدا توبهات را قبول می کند و تو جزء ما حساب می شوی . پس سه بار گفت: «اللهم انی اتوب الیک»⁽⁴⁾ .

4. زندگی امام حسین علیه السلام

یک سوم قرآن درباره ولایت

در روایات است که **یک سوم قرآن درباره ولایت** است. از جمله همه آیاتی که با: یاایهاالذین آمنوا... شروع می شود خطاب خاصش به علی ع است.

اسامی امامان بزرگوار در قرآن کریم در جاهای مختلف ذکر شده است منتهی باید کمی دقت کرد. از جمله در سوره نور.

اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ «نور 35»⁽²⁾

جابر می گوید در مسجد کوفه دیدم علی (ع) با سنگ چیزی بر زمین می نویسد و تبسم می کند. علت را پرسیدم. فرمود تعجب می کنم از کسانی که این آیه را می خوانند معنای آن را نمی دانم. پرسیدم کدام آیه؟ حضرت آیه فوق را تلاوت کردند و توضیح دادند که:

مشکات ، پیامبر است. مصباح منم. دوتا زجاجة ، حسنین هستند. کوب دری ، امام سجاد است. شجره مبارکه ، امام باقر است. زیتونه ، امام صادق است. لا شرقیه ، امام کاظم است. لا غربیه ، امام رضا است. زیتها یضیی ، امام جواد است. لم تمسسه نار ، امام هادی است. نور علی نور ، امام عسگری است. یهدی الله لنوره من یشاء ، امام زمان مهدی آل محمد است.⁽³⁾

3. تفسیر جامع ذیل آیه 35

یکی از راههای معرفت امامان (ع) ، توجه به زیارت جامعه کبیره است. اینکه امام عصر عی به سید موسوی رشتی می فرماید شما چرا جامعه نمی خوانید؟

جهت اهمیت این زیارت که دائره المعارف شیعه است می باشد.

امام امت رض در نجف که بودند هر شب این زیارت را در حرم جدشان امیرمومنان (ع) می خواندند.

ب: محبت (اللهم وال من من والاه وعاد من عاداه وانصر من نصره واخذ من خذله) (من احبکم فقد احب الله ومن ابغضکم فقد ابغض الله)

رسول خدا(ص) فرمود: ای علی! دوست نمی‌دارد تورا مگر مؤمن. و دشمن نمی‌دارد تورا مگر منافق.

رسول خدا(ص) به علی بن ابیطالب(ع) فرمود: ((بعد از من امت با توحیله می‌کنند و تو بر دین من زندگی می‌کنی و بر سنت من شهید می‌شوی و هر که تورا دوست داشت مرا دوست داشته و هر که با تو دشمنی نمود با من دشمنی نموده است و بزودی محاسنت به خون فرقت آغشته می‌شود.))

باید دوستدار حقیقی اهل بیت (ع) باشیم و دشمن دشمنان آنان باشیم. در این زمینه نمره ملت ایران بیست است. توسل مردم ایران به امامان ع و امامزادگان بی نظیر است و اصولاً اینکه در بین 58 کشور اسلامی اینکه چرا فقط ملت ایران تماماً شیعه هستند نشان دهنده محبت ملت ایران اسلامی به اهل بیت (ع) می‌باشد.

علمائی داشتیم که طاقت شنیدن ذکر مصائب اهل بیت (ع) را نداشتند. و یا با شنیدن مصائب اهل بیت (ع) بیهوش می‌شدند یا از خود بیخود می‌شدند. استاد امام، آیه الله حائری یزدی روضه خوانی را مامور کرده بودند که هر روز قبل از درس خارج ایشان روضه بخواند. خود امام امت چقدر مقید به برگزاری مجلس روضه خوانی و اظهار محبت به اهل بیت در مقابل بینندگان سراسر دنیا بودند.

اینکه مردم ایران در محرم و صفر سرمایه گذاری عظیمی در عزاداری امام حسین (ع) و ابراز محبت به اهل بیت (ع) می‌کنند بی نظیر است. و بر سایر ملتها اثر گزار بوده است.

توسلاتی که در طول سال مردم به اهل بیت (ع) دارند. روضه های سالیانه که در همه ماهها روضه خوانی برگزار می‌کنند. سفره های ابوالفضل که انداخته می‌شود. حتی پهلوانان ایرانی در ورزشهای خود به نام علی ع و دیگر بزرگواران اهل بیت (ع) متوسل می‌گردند.

بعضی از شیعیان با شنیدن نام علی (ع) یا حسین (ع) به گریه می افتند و دلشان پر از محبت آل عباس است.

ج: تبعیت: «یا ایّها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم» یعنی ای مؤمنین! از خدا و رسول و اولی الامر اطاعت کنید.

روایت شده که مراد از اولی الامر، علی و اولادش هستند.

(من اتبعکم فالجنه ماواه و من خالفکم فالنار مثواه)

تبعیت یعنی از سیره آن بزرگواران پیروی نمائیم. و پیروی از امامان ع جدای از پیروی از قرآن کریم نیست. و قرآن به خوبیها سفارش نموده و از بدیها نهی نموده است. لذا ائمه ع از شیعیان می خواستند تقوا داشته باشند و از گناهان دوری نمایند و به مکارم اخلاق خود را زینت دهند و از اخلاق بد دوری نمایند و بدنبال علم و دانش باشند و باید شیعیان بهترین های بشریت باشند.

ولی در این زمینه هم اکثرا مشکل داریم. اگر همه تابع اهل بیت بودیم وضع عروسی های ما این چنین نبود. وضع اعتیاد در کشور این چنین نبود. وضع محرومان و نیازمندان این گونه نبود. وضع ورزش ما و سینمای ما و مراسمات ما و مسائل حجاب و عفاف ما اینگونه نبود. وضع نماز و نماز جمعه ما بسیار بهتر از این وضع بود. وضع دعاها و ندبه ما، وضع مساجد ما باید بسیار بهتر از این بود.

در سخنان اهل بیت (ع) است که محبت به ما کافی نیست و باید پیرو ما باشید. باید همانند اهل بیت (ع) در تقوا و ورع و اخلاق حسنه باشیم.

چقدر در کشور در داد گستری پرونده است؟ چقدر شکایت داریم که فلانی کلاهبرداری کرده. فلانی قاچاقچی مواد مخدر است. فلان شخص رابطه نامشروع داشته. فلان جوان صلیب به گردن می اندازد و اهل نماز نیست. در حالی که همه اینها خود را شیعه می دانند.

مگر اهل بیت (ع) نفرموده اند زینت ما باشیدنه باعث ننگ و عار ما؟ وقتی شیعه ای کارهای خوب می کند و دیگران می گویند این شیعه است اهل بیت (ع) خوشحال می شوند اما وقتی شیعه ای کار زشتی می کنند باعث ناراحتی اهل بیت (ع) می شود.

5- اگر غدیر محقق می شد و علی بن ابیطالب ع بعد از پیامبر ص در راس امور مسلمین قرار می گرفت:

دیگری چیزی به اسم شیعه و سنی نبود- بجای 58 کشور اسلامی یک کشور پهناور و قدرتمند اسلامی وجود داشت- مسلمین در پرتو علوم ائمه پیشرفته ترین ملت ها بودند- امامان ع به شهادت نمی رسیدند.- قدس شریف غصب نمی گردید- امریکا و مستکبران جرات اشغال کشورهای اسلامی را نداشتند.- امام زمان عج غایب نبودند- از اعتیاد و انحرافات عظیم اعتقادی و اخلاقی بین مسلمین خبری نبود- قرآن مهجور واقع نمیشد و...

6- امام امت (رض) درباره غدیر تعبیر بسیار عمیقانه ای دارند:

روز عید غدیر از بزرگترین اعیاد مذهبی است. این عید، عیدی است که مال مستضعفان است، عید

محرومان است، عید مظلومان جهان است (1) صحیفه نور، ج 19، ص 60

1

غدیر آمده است که بفهماند سیاست به همه مربوط است، در هر عصری باید حکومتی باشد با سیاست، منتها سیاست عادلانه که بتواند به واسطه آن سیاست، اقامه صلاه کند، اقامه صوم کند، اقامه

حج کند، اقامه همه معارف را بکند و راه را باز بگذارد برای (صاحبان) افکار، یعنی افکارشان را با دلگرمی و با آرامش ارائه بدهند. (6) صحیفه نور، ج 20، صص 29 - 30

ما که می‌گوییم شیعه حضرت علی (ع) هستیم، باید ببینیم شیوه حضرت علی (ع) چه بود؟ آن‌هایی که شیعه این مرد بزرگ هستند، البته نمی‌توانند مثل او باشند. اگر در روایات فرموده‌اند که پیروان علی (ع)، اهل سعادتند، باید ببینیم ما پیرو او هستیم یا نیستیم؟ به وظایفمان، حتی به همان وظایف صوری‌مان عمل می‌کنیم یا نمی‌کنیم؟ (10) صحیفه نور، ج 19، ص 61

(ما باید) سیره آن بزرگوار را در نظر بگیریم و ببینیم که چه باید بکنیم. (11) صحیفه نور، ج 19، صص 223-224

تمسک به ولایت حضرت امیر (ع) تبعیت از مقاصد او است. باید کسانی که مدعی هستند که ما شیعه امیرالمومنین (ع) هستیم، باید در قول و فعل و نوشتن و گفتن و همه چیز، از او تبعیت داشته باشند. (13) صحیفه نور، ج 18، ص 128

6- در روایت است که هر پیامبری مشکل پیدا می‌کرد خدا را بحق محمد و آل محمد قسم می‌داد تا حاجتش برآورده شود.

و طبق حدیث کساء، خلقت آسمان و زمین بخاطر اهل بیت (ع) لیهم السلام بوده است. لذا حیات بشریت مدیدن اهل بیت (ع) لیهم السلام است و اهل بیت علیهم السلام بر همه انسان‌ها از ابتدا تا انتها منت دارند.

7- در طول تاریخ تشیع هزاران نفر بخاطر پاسداری از ولایت شهید شدند و شکنجه ها دیدند که نمونه آن اصحاب ائمه ع همانند مالک اشتر و حجر بن عدی و میثم تمار و قنبر و رشید هجری و... هستند .

قنبر سالها در خانه علی(ع) خدمت نمود و از شیعیان مخلص بود.

روزی حجاج خونخوار به اطرافیاناش گفت: امروز دوست دارم که یکی از شیعیان ابوتراب را بیاورم و خونسش را قربۀ الی الله! بریزم! به او گفتند: غیر از قنبر کسی را سراغ نداریم! بدستور حجاج، قنبر را آوردند. حجاج به او گفت: از علی بیزاری بجو! قنبر امتناع کرد. حجاج او را در نحوه مردن مخیر کرد. قنبر گفت: مولایم بمن خبر داد که من مظلومانه ذبح می شوم! حجاج دستور داد سر او را بریدند.

والان هم دشمنی استکبار جهانی با ملت ما بخاطر ولایتی است که ملت ما دارد. ما اگر وهابی بودیم یا دین و مذهب دیگری داشتیم با ما کاری نداشتند زیرا ولایت استکبار ستیز است. ولایت عامل قیام مظلومان است. ولایت عامل انقلاب اسلامی و ولایت مادر انقلاب هاست. وظالمین و ستمکاران از ولایت وحشت دارند و همه تلاش خود را برای خاموش کردن نور ولایت می کنند ولی موفق نخواهند شد.

8- یکی از مسائل مربوط به ولایت، در مورد ذریه پیامبر است. این معجزه است که در حالی که همه پسران و دختران پیامبر اسلام ص بجز فاطمه س، قبل از پیامبر ص رحلت کردند و بعد از ارتحال رسول خدا ص، فقط فاطمه س 18 ساله باقی ماند ولی با اعجاز الهی نسل رسول خدا از طریق زهرای مرضیه ادامه یافت و تا روز قیامت ادامه خواهد یافت. در حالی که در طول تاریخ تشیع، دشمنان ولایت از هیچ کوششی در ریشه کن کردن نسل پیامبر و کشتن سادات مخصوصا در زمان منصور دوانقی و هارون

الرشید خودداری نکردند ولی نسل پیامبر معروف به سادات ادامه پیدا کرده و امروزه بیش از چهل میلیون سید در دنیا زندگی می کنند. و در سادات شخشیتهای بسیار موثری بوجود آمده همچون علامه حلی و سید رضی و سید مرتضی و میرزای شیرازی و سید جمال اسدآبادی و سید بحرالعلوم و آیه الله بروجردی و امام خمینی رض و امام خامنه ای.

وظیفه مردم نسبت به سادات احترام در هر حال است. داستانی نقل شده که احمد بن اسحاق قمی زمانی که وکیل امام حسن عسگری ع در قم بود همراه به سادات کمک مالی می کرد تا اینکه به او خبر دادند سید حسین از ساداتی که کمک دریافت می کند شراب می نوشد. احمد بن اسحاق هم دفعه بعد که سید حسین برای اخذ کمک آمد او را راه نداد. وقتی بعد از چندماه به خدمت امام عسگری خواست مشرف شود امام او را راه ندادند. وقتی با وساطت افراد امام او را به حضور پذیرفتند، احمد علت عدم ناراحتی امام را پرسیدند. امام فرمود چرا سید حسین را راه ندادی؟ گفت شراب می خورد. امام فرمود شما وظیفه دارید به ذریه پیامبر ص احترام نمائید.

وقتی احمد به قم برگشت سید حسین را خواست و احترام کرد و کمک مالی نمود. سید علت را پرسید. احمد ماجرای برخورد امام را نقل کرد. سید به گریه افتاد و توبه کرد و همه شرابهارا دور ریخت و جز عابدین قم گردید.

گاهی بخاطر مسائل سیاسی و یا غیره افراد حرمت سادات را می شکنند در این صورت منتظر مجازات الهی باشند.

9- یکی دیگر از مسائل ولایت در مورد صلوات است. اینکه خداوند و ملائکه شبانه روز بر پیامبر اسلام و آلش صلوات می فرستند نیز جز عجایب و معجزات الهی است. لذا وقتی یهودی از علی پرسید فضیلت آدم این بوده که همه ملائکه بر او سجده کردند آیا پیامبر اسلام ص این فضیلت را دارند؟ علی

ع فرمود سجده ملائکه بر آدم ع یکبار بوده است ولی خداوند خود وملائکه اش تا قیامت بر پیامبر اسلام صلوات می فرستند.

فرستادن صلوات برکات عظیمی دارد. در روایتی است که پیامبر ص فرمود هر که بر من یکبار صلوات بفرستد تا سه روز بر او گناهی نمی نویسند.

و در سخن دیگر فرمود هر که صلوات بفرستد از گناهش خارج می شود همانند روزی که متولد شده است.

واز جمله برکات صلوات این است که حجاب بین دعا وآسمان را کنار می زند و باعث استجابت دعا می شود. صلوات نفاق را از بین می برد و باعث خوب شدن اخلاق انسان می گردد.

10- چرا از میان هزاران نفر اصحاب پیامبر اسلام ص خداوند علی (ع) را بعنوان جانشین پیامبر ص انتخاب کرد؟

زیرا علی (ع) عابدترین افراد بعد از پیامبر ص بود. او از همه بیشتر نماز می خواند. شبی هزار رکعت نماز می خواند و هفتادبار از ترس خدا در نماز بیهوش شد. در یکی از شبهای سخت جنگ صفین، درحالی که تیر از هر طرف می بارید، امام مشغول خواند نماز نافله بود.

او می فرمود: خدایا تورا بخاطر طمع به بهشت ویا ترس از جهنم عبادت نمی کنم! بلکه تورا چون شایسته عبادت می دانم، عبادت می نمایم

زیرا علی (ع) شجاعترین مردم بود و شجاعت علی (ع) از عجایب روزگار بوده است. شخصیتی که ذره ای ترس در وجودش نبود و از سن 20 سالگی وارد معرکه جنگها شد و تا سن 63 سالگی پیوسته در مبارزه با دشمنان دین بود. اگر چه او در دهها جنگ شرکت کرد اما هیچکدام برای هوای نفس و قدرت نمائی و غیره نبود. همه برای استقامت اسلام و یاری پیامبر و خاک انداختن کفار و مشرکین و منافقین انجام شد.

گویند: ضربات علی (ع) بکر بود. یعنی با همان ضربه اول دشمن کشته می شد و نیاز به ضربه دوم نبود. وقتی علی (ع) بشهادت رسید، معاویه گفت:

قل للارنب ترع حیثما سلکت وللظیاء بلا خوف ولا حذیر یعنی: به آهوان و خرگوشها بگو که هر کجا می خواهند بدون هراس بروند و بچرند. (زیرا شیر بیشه شجاعت کشته شده است)

ابن ابی الحدید می نویسد: پادشاهان فرنگ و روم صورت علی (ع) را در عبادتخانه های خود کشیده و شمشیر خود را بنام او اسم می گذاشتند. پادشاهان دیلم صورت حضرت را بر شمشیرهای خود می کشیدند و بر شمشیرهای آل ب ارسلان و ملک شاه سلجوقی، صورت آن حضرت منقش بود.

عمر درباره علی (ع) می گوید: اگر شمشیر علی (ع) نبود، اسلام استقامت نمی گرفت.

علی (ع) فرمود: اگر همه عرب برای جنگ با من بیایند، من پشت نخواهم کرد.

به شجاعت های امیر مؤمنان (ع) در جنگها اشاره ای می نمائیم:

جنگ بدر:

جنگ بدر در رمضان سال دوم هجری واقع شد. تعداد لشگر دشمن 950 نفر و تعداد نفرات

سپاه اسلام 313 نفر بوده است. در ابتدای جنگ، برادر هند بنام ولید بدست

علی (ع) کشته شد و پدرش عتبه بدست حمزه کشته شدند. سپس سعید بن عاص و

حنظله بن ابی سفیان و طلحه بن عدی و نوفل بن خویله که از شیاطین قریش بود،

بدست علی (ع) کشته شدند. و همین طور علی (ع) از سپاه دشمن می کشت تا اینکه نیمی

از کشته های مشرکمین که هفتاد نفر بودند، بدست علی (ع) بهلاکت رسیدند و با همت سایر یاران پیامبر از جمله حمزه، لشکر اسلام پیروز شد.

جنگ اُحُد :

جنگ اُحُد در سال سوم واقع گردید. نفرات دشمن، پنج هزار نفر و تعداد یاران پیامبر، هزار نفر بودند. در ابتدا طلحه بن طلحه از میان مشرکین مبارز طلبید. کسی جرأت میدان او را نداشت. علی (ع) پیش آمد و با او مبارزه نمود و او را کشت. در این موقع پیامبر تکبیر گفت و مسلمانان نیز تکبیر گفتند. سپس برادرش مصعب که علمدار مشرکین بود به میدان آمد که او هم بدست علی (ع) کشته شد. بعد عده زیادی از قبیله بنی عبدالدار پرچم را گرفته و سپس کشته شدند. در این هنگام از دشمن غلامی بنام صواب که در بزرگی جثه مثل گنبد بود و دهانش کف کرده بود و چشمانش سرخ مانند دو کاسه خون بود، مبارز طلبید. کسی از مسلمانان جرأت نکرد به جنگ او برود. علی (ع) براو حمله کرد و او را کشت. سپس مسلمانان بردشمن هجوم آوردند و کفار را وادار به عقب نشینی نمودند. مسلمانان مشغول جمع آوری غنیمت شدند و کمانداران مسلمان کوه عینین بادیدن این صحنه محل تنگه را ترک کردند و برای جمع آوری غنیمت خود را به میدان جنگ رساندند. گروهی به فرماندهی خالد بن ولید از این فرصت استفاده کرده و کوه را دور زده و از پشت به مسلمانان یورش بردند. پرچم مشرکین دوباره بالا رفت. دشمنان در حال فرار نیز چون پرچم خود را دیدند و برگشتند. از طرفی شخصی صدازد: محمد کشته شد! مسلمانان از این خبر دچار وحشت شدند و عقب نشینی و فرار نمودند. پیامبر تنها ماند و فقط چند نفر از او محافظت می کردند. از جمله علی مرتضی که دشمن از هر طرف به پیامبر حمله می کرد، علی (ع) آنرا دفع می نمود. تا آنکه نود زخم و جراحت بردن

علی(ع)وارد شد.فداکاری علی(ع)طوری اعجاب انگیز بود که جبرئیل در آسمان ندا کرد: لا فتی الا علی ولا سیف الا ذو الفقار. «منتهی الامال»

جنگ خندق :

جنگ خندق در سال پنجم هجری واقع شد. مشرکین باده هزار نفر، مدینه را محاصره کرده بودند و مسلمانان هم در پشت خندقی که اطراف شهر حفر شده بود، در مواضع خود بسر می بردند. بعضی از مسلمانان از کثرت لشکر دشمن دچار هراس شده بودند. در این زمینه قرآن می فرماید: «إِنْ جَاءَكُمْ مِنْ فَوْقِكُمْ وَأَسْفَلَ مِنْكُمْ وَادْخُلُوا الْأَبْصَارَ» یاد بیاورید آن زمانی را که دشمن از بالا و از پایین بر شما هجوم آورد و چشمان شما از ترس جابجا شدند.

دشمن 27 روز مدینه را محاصره کرد. سپس چند نفر از شجاعانش از جمله عمرو بن عبدود و عکرمه بن ابی جهل و نوفل بن عبدالله و ضار بن خطاب از خندق راهی را پیدا کردند و خود را به نزدیکی مسلمانان رساندند. عمرو که او را با هزار سوار برابر می دانستند پیش آمد و مبارز طلبید. احدی جرأت جواب دادن به او را پیدا نکردند تا عاقبت علی(ع) خارج شد و در مقابل او قرار گرفت. پیامبر در این موقع فرمود: تمامی ایمان در مقابل تمامی کفر قرار گرفته است. علی(ع) بعد از مبارزه ای سر عمرو را از تن جدا کرد. که پیامبر فرمود: ضربت علی در خندق از عبادت انس و جن تار و زیامت، برتر است.

شکست دشمن آغاز شد و مخصوصاً طوفان، سنگریزه و خاک را بر لشکر دشمن می ریخت. یکی از مسلمانان هم در لشکر دشمن رخنه کرد و اتحاد یهود با آنان را برهم زد. با این عوامل لشکر دشمن عقب نشینی کرد و به مکه بازگشت.

جنگ خیبر:

در سال هفتم، جنگ خیبر صورت گرفت و قلعه های یهودیان پیمان شکن بوسیله سپاه اسلام محاصره شد. مسلمانان موفق به فتح قلعه قموص نشدند تا اینکه علی (ع) مأمور فتح آن شد. او برای فتح این قلعه با مرحب خیبری از قهرمانان یهود جنگید و او را کشت. سپس ربیع و عترب خیبری و مرّه و یاسر و دیگر شجاعان یهود را از پای درآورد. یهودیان دچار شکست شدند و به قلعه فرار کردند. علی (ع) در عملی اعجاب انگیز در قلعه را از جادو آورد و بر روی خندق قرار داد تا سپاه اسلام وارد قلعه شدند و پیروزی مهمی بدست آمد.

جنگ ذات السلاسل :

در جنگ ذات السلاسل که 12000 نفر از قبیله یابس جزء مشرکین و چهار هزار نفر جزء لشکر مسلمین بودند، دشمن توانست سپاه اسلام را که فرماندهی آن به عهده چند نفر از اصحاب بود، شکست دهد. تا اینکه علی (ع) فرماندهی را بدست گرفت و در صبحگاهی بر دشمن یورش برد و آنان را شکست داد و با پیروزی و غنائم مهمی برگشت که سوره العادیات در باره این پیروزی نازل شد.

جنگ حنین :

در جنگ حنین نیز سپاه دشمن با 12000 نفر در مقابل مسلمین قرار داشت. دشمن با استفاده از کمینگاههای کوهستان توانست در ابتدا شکستی بر لشکر اسلام وارد کند اما بارشادت علی (ع) که بیش از چهل نفر از شجاعان دشمن را به هلاکت رساند و کشتن پرچمدار مشرکین بنام ابو جردل، دشمن روبه هزیمت نهاد و جنگ با پیروزی اسلام پایان رسید.

زهد و بی اعتنائی به دنیا:

او زاهدترین فرد بعد از پیامبر ص بود. او نمونه یک انسان زاهد و پرهیزکار بود. لباس خود را آنقدر وصله زد که دیگر از وصله کننده خجالت می کشید. نان جو غذای امام، آنقدر خشک و سفت بود که گاهی ناچار می شد آنرا با سر زانوی خود، خورد کند! او می فرمود: که شکم خود را مقبره حیوانات نکنید! در نامه به فرماندار مصر می نویسد: اگر می خواستم که غذای خود را عسل تصفیه شده و مغز گندم و لباسم را ابریشم قرار دهم می توانستم! ولی هیئات که هوا و هوس بر من غلبه کند شاید که در حجاز و یمامه کسی باشد که نان نداشته باشد، آنوقت من باشکم سیر بخوابم؟

علی (ع) در مسجد معتکف بود که عربی که امام را نمی شناخت، وارد مسجد شد. در هنگام افطار خدمت حضرت آمد. امام از کیسه غذای خود مقداری نان جو به او داد. او نانها را نخورد بلکه آنها را به گوشه عمامه بست و برای صرف غذا از مسجد خارج شد. در کوچه ها به خانه حسنین (ع) رسید و مهمان آنان گردید. او بعد از خوردن غذا، به حسنین (ع) گفت: در مسجد کسی را دیدم که غذای نامناسبی داشت. اجازه بدهید از این غذا مقداری برای او ببرم؟ حسنین (ع) به گریه افتادند و فرمودند: او پدر ما امیر مؤمنان است که بادنیا و نفسش مبارزه می کند.

یکروز دیدند که امام، شمشیر خود را می فروشد و می فرماید: بخدا اگر پول یک شلوار را داشتم، این شمشیر را که با آن غم و اندوه از صورت پیامبر بر طرف می نمودم، را نمی فروختم!

علم و حکمت:

او بعد از نبی، عالمترین افراد بود چون علم او از پیامبر گرفته شده است. پیامبر در هنگام رحلت او را طلبید و هزار باب از علم به یاد داد که از هر بابی هزار باب دیگر باز می شود. و هر که می خواهد به شهر علم پیامبر، قدم نهد باید از طریق علم علی (ع) باشد!

ابن ابی الحدید می نویسد: علی (ع) مؤسس همه علوم اسلامی است. او مؤسس علم تفسیر، صرف و نحو، فقه و غیره است.

معاویه بعد از شهادت امام گفت: با کشته شدن علی (ع)، علم و فقه هم از دنیا رفت.

عمر هفتاد بار گفت: اگر علی نبود، عمر هلاک می شد!

پیامبر در باب او فرمود: از ده جزء علم که خدا آفریده است، نه جزء به علی داده شده و یک جزء به باقی مردم! و بخدا سوگند! که علی در آن یک جزء هم شریک است!

و فرمود: ای علی! تو وارث علم منی! و توئی بیان کننده اختلافات و حلال مشکلاتی و حل مشکلات امت به غیر تو انجام نمی شود.

و خود فرمود: اگر بخواهم آن قدر در تفسیر «بسم الله الرحمن الرحيم» می گویم که اگر از آن کتابی تشکیل دهید، بار هفتاد شتر می شود. و فرمود: از فتنه ها از من پرسید و بدانید که من خبر دارم در کجای زمین چه فتنه ای واقع می شود و چه کسی در

کجای زمین کشته می شود و می میرد! از راههای آسمان از من سؤال کنید که حقیقتاً من به راههای آسمان از زمین آشنا ترم!

در جلسه با حضور سخنرانان عرب، وقتی همه از اینکه بتواند یک سخنرانی بزبان عربی بکنند که در آن نقطه ویا الف نباشد، علی (ع) فوراً دو خطبه خواندند که در یکی نقطه نبود و در دیگری الف!

قسمتی از خطبه بدون الف: «حمدتُ مَنْ عَظُمَتْ مِنْهُ وَسَبَقَتْ نِعْمَتُهُ وَسَبَقَتْ رَحْمَتُهُ غَضِبَهُ وَتَمَّتِ الْكَلِمَةُ وَنَفَذَتِ الْمَشِيَّةُ وَبَلَغَتْ قَضِيَّتَهُ، حمدته حمدمقرِّ بر بویته، متخضع لعبوديته، متنصلٌ من خطيئته، متفرد بتوحيده...» یعنی: حمد می کنم خدائی را که نعمتش بزرگ و آنرا بر بندگان تمام داده است و رحمتش بر غضبش مقدم است و منطقش کامل است. خواستش نافذ و فرمانش کامل. او را سپاس می گویم، سپاس کسیکه به خدایی او اقرار دارد و در بندگیش بخاک می افتد و از گناهان فاصله می گیرد و در شناخت یکتائی خدا بی نظیر است...*

قسمتی از خطبه بدون نقطه: «الحمد لله المحمود، المالك الودود، مصدر كل مولود ومآل كل مطرود. ساطع المهاد وموطد الاطواد ومرسل الامطار ومسهل الاوطار، عالم الاسرار ومدركها ومدمر الاملاك ومهلكها ومكور الدهور ومكررها...» یعنی: سپاس خداوندی که سلطانی ستوده شده و مالکی مهربان است. خدائی که هر نوزادی را او شکل و شمایل می بخشد و هر طرد شده ای را او پناه می دهد. پستی های زمین را هموار ساخته، کوههای عظیم را او ثابت نموده، بارانها را او می فرستد و نیازهای خلق را او بر می آورد. عالم اسرار و درک کننده رازهاست. ویران کننده ملکها و هلاک کننده آنهاست. چرخ زمان را او تکرار می کند و...

از ابن عباس آن مفسر بزرگ قرآن، پرسیدند: علم تو درمقایسه با علم علی (ع) چقدر است؟ گفت: مانند قطره ای درمقابل دریا!

سخاوت و بخشش:

او بعد از پیامبر، بخشنده ترین افراد بود. شبها کیسه های غذا بر دوش بطور ناشناس، به درخانه فقراء و نیازمندان می رفت و به آنان کمک می کرد.

در حال رکوع، به فقیر انگشترش را بخشید که درشأنش آیه نازل شد: سرپرست شما، خدا و رسول هستند و همچنین سرپرست شما آنان هستند که به خدا ایمان آورده و نماز برپا می دارند و در حال رکوع، صدقه می دهند. مائده 55

شخصی به پیامبر مراجعه کرد و گفت: من غریب و نیاز به غذا و جادارم. علی (ع) او را به خانه خود برد. چون غذا به اندازه کافی نبود، در هنگام انداختن سفره، علی (ع) چراغ را خاموش کرد و لب و دندان خود را به حرکت درمی آورد تا مهمان خیال کند که او مشغول خوردن است. روز بعد پیامبر از این ایثار و مهمان نوازی علی (ع) خبر داد.

در وسط جنگ، یکنفر از دشمنان گفت: ای علی! شمشیر خود را به من می دهی؟ حضرت هم شمشیرش را به او بخشید!

عدالت خواهی:

همانگونه که پیامبر فرمود: علی با حق است و حق هم با علی!

حق و عدالت همیشه با علی بودند. او خود فرمود: اگر دنیا را با آنچه در آنست بمن دهند تا دانه ای از دهان مورچه ای به ظلم بستانم، قبول نخواهم

کرد. و فرمود: بخدا! اگر شب تا به صبح بر روی خارهای تیز و بُرندهٔ سعدان بیدار باشم و در حالیکه دست و پایم در غل و زنجیر است، مرا از این سو به آن سو بکشند، برایم بهتر است تا اینکه در روز قیامت، خدا و رسول را در حالی ملاقات کنم که به عده ای ستم کرده و مال کسی را غصب کرده باشم! و عدالت علی (ع) بود که عده ای بخاطر تحمل نکردن این عدل، از او جدا شدند و به آغوش دیگران پناه بردند.

نجاشی شاعر علی (ع) در ماه رمضان در وقت روزه، شراب خورد. حضرت تصمیم داشت که حدّ الهی را براو جاری کند. قبیلۀ او جمع شدند و از امام درخواست کردند برای حفظ آبروی آنان، نجاشی را ببخشد. و چون امام نپذیرفتند، او را تهدید به ترک حمایت کردند. اما امیر مؤمنان (ع) حدّ الهی را براو جاری فرمودند. نجاشی هم عزم سفر کرد و به بارگاه معاویه پناهنده شد. وقتی معاویه در حضور نجاشی از امام مذمت نمود. نجاشی صدا زد: اگر من از علی فرار کردم و بتو پناهنده شدم نه بخاطر ظلم علی است! بلکه من از عدالت علی فرار کردم!

دختر علی (ع) به عروسی دعوت شده بود. او از خزانه دار، گردنبندی را به رسم عاریه ضمانتدار، گرفت و زینت خود کرد. امام چون چشمش به گردنبند افتاد و ماجرا را فهمید، خزانه دار را خواست و او را توبیخ کرد و فرمود: اگر عاریه ضمانتدار نبود، دستهایت را به جرم خیانت قطع می نمودم!

زنی بنام سوده که امام او را می شناخت، خدمت امام آمد و از مظالم فرماندار شهرشان مطالبی را گفت. ناگاه امام به گریه افتاد و فرمود: خدایا! تو خود می دانی که این

فرمانداران را نفرستاده ام که به مردم ظلم نمایند! سپس بر روی کاغذی از پوست، حکم عزل آن شخص را نوشت و به دست سوده داد تا به او بدهد!

علی (ع) در هنگام ورود به شهری فرمود: من با همین لباسهای کهنه و با همین اسب سواری وارد شهر شما شدم. اگر با چیزی بیش از این، از شهر شما بیرون رفتم، بدانید که در اموال خیانت کرده ام!

11- پیامبر خدا (ص) در خطبه غدیر به ظهور مهدی (عج) اشاره فرمودند. یعنی غدیر بدون اعتقاد به ظهور حضرت مهدی عج ناقص است. و همانطور که مردم زمان علی علیه السلام بوسیله آن حضرت امتحان شدند الان هم که دوران غیبت کبری است شیعیان بوسیله اعتقاد به حضرت مهدی (عج) امتحان می شوند و چه بسا عده زیادی در این امتحان مردود گردند.

حضرت رضا علیه السلام از پدران بزرگوارش از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کند که فرمود: نهمین از فرزندان تو یا حسین همان قائم بالحق است ، همان ظاهر کننده دین ، و منتشر کننده عدل .
امام حسین علیه السلام عرض کرد: یا امیرالمؤمنین این خبر واقع خواهد شد؟ حضرت فرمود: آری قسم به آنکه محمد صلی الله علیه و آله را به پیامبری برگزید و او را از جمیع مخلوقات انتخاب کرد، این خبر واقع خواهد شد، لیکن بعد از غیبت و حیرتی که در آن ثابت قدم نمی مانند مگر اشخاص با اخلاص که با روح الیقین مباشرت کرده اند.

آنها که خدا از آنها پیمان ولایت ما را گرفته است و در دلهایشان نوشته و آنها را به واسطه روح خود تاءیید نموده است))

اصبغ بن نباته گوید: امیرالمؤمنین علیه السلام از حضرت مهدی یاد نموده فرمود:
آگاه باش که (او) غیبتی خواهد داشت (طولانی) به گونه ای که نادانان گویند:
خداوند را در آل محمد صلی الله علیه و آله برنامه ای نیست (!)

امیرالمؤمنین علیه السلام در مورد سختیهای دوران غیبت و فضیلت استقامت در دین در آن زمان فرمود:
 برای قائم ما غیبتی است طولانی، گویا شیعیان را می بینم که در آن دوران چون چهارپایان به دنبال چراگاه
 می روند اما نمی یابند (به دنبال پناهگاهی هستند اما پیدا نمی کنند) آگاه باشید هر که از شیعیان که بر دین
 خود ثابت قدم باشد و طولانی شدن زمان غیبت، دل او را سخت نکند، او روز قیامت با من است در درجه
 من سپس فرمود: همانا قائم ما چون قیام کند درگردن او برای هیچکس بیعتی نیست به همین جهت تولدش
 مخفی و خودش پنهان می گردد))

12- در دوران غیبت کبری فقهاء جامع شرایط ولی امر مسلمین هستند و اطاعت از آنها اطاعت از امام زمان عجل است.

امام حسن عسگری ع فرمود:

فَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَائِنًا لِنَفْسِهِ، حَافِظًا لِدِينِهِ، مُخَالِفًا عَلَى هَوَاهُ، مُطِيعًا لِأَمْرِ
 مَوْلَاهُ فَلِلْعَوَامِّ أَنْ يُقَلِّدُوهُ.

«هر کدام از فقهاء که نفس خود را در مصونیت نگهداشته، حافظ دین خویش، مخالف هوای نفسش،
 و مطیع امر مولای خود باشد، بر همه عوام لازم است که از او تقلید کنند.»

امام صادق ع فرمود: هر کس از شما که حدیث ما را روایت کند و حلال و حرام ما را در نظر داشته باشد و
 احکام ما را بشناسد، پس باید به او به عنوان حاکم راضی شوند که من او را حاکم بر شما قرار دادم.
 پس هرگاه حکمی کرد و از او قبول نکردند، حکم خدا را سبک شمرده اند و ما را رد کرده اند و آن کس
 که ما را رد کند خدا را رد کرده و گناه آن در حد شرک ورزیدن به خدا است.

1. اصول کافی، ج 1، ص 67، روایت 10.

تعدادی از کسانی که بر اثر نور اهل بیت (ع) هدایت شدند:

1- مسلمان شدن خواهر زن تونی بلر نخست وزیر اسبق
 انگلیس

2- نحوه شیعه شدن رهبر مائویست نروژ:

«وابسته فرهنگی سفارت ایران در نوژ در این رابطه می گوید: در ایام اقامت در اسلو پایتخت نروژ هنگامی که روزنامه هارا بررسی و ترجمه می کردم به مقاله ای برخوردیم با این عنوان: اسلام به زودی به غرب می آید، بعد از جست وجو فهمیدم که این مقاله به قلم دکتر لین سادرهبر حزب مائویست نروژ می باشد.

ایشان تحصیلات خود را در انگلستان گذرانده و فردی مبارز بوده و چندبار جهت کمک به مسلمانان به فلسطین سفر نموده و در جریان معروف سپتامبر سیاه و حمله اردن به فلسطینی ها مجروح گردید...

با تلاش فراوان ایشان را پیدا کردیم و ارتباط برقرار شد. بسیار در مورد ایران و انقلاب و اسلام کنجکاو بود...

بعد از برگزاری جلسه اولی که با ایشان داشتیم و سؤال های ایشان را پاسخ گفتیم از ما خواست که در جلسه دیگری با اعضای حزب همین سخنان را تکرار کنیم...

تا این که دکتر لین ساد همراه دکتر اریک فویسر به مناسبت جشنهای پیروزی انقلاب اسلامی به ایران دعوت شدند، این سفر آن قدر برای آن ها جالب توجه بود که این دو عاشق و شیفته انقلاب شده بودند.

بعداً ایشان مقاله ای نوشتند با این عنوان به زودی انقلاب ایران جهانی می شود.

روزی در مورد قضایای غدیر خم سؤال نمود، توضیح دادم، در آن هنگام حالت بسیار عجیبی داشت، عصر آن روز از انجمن حسینی تماس گرفتند و گفتند بعد از نماز مغرب وعشا مراسم داریم، کسی می خواهد مسلمان شود. اصلاً گمان نمی کردم این فرد دکتر لین ساد باشد... ایشان شیعه شدند و نام علی را هم برای خود برگزیدند...

بعد از مدتی «آنا بریت» همسر ایشان با من تماس گرفت و گفت: می خواهم مسلمان شوم.

من شگفت زده شدم و خدا را سپاس گفتم. آنا بریت گفت: من چادر می خواهم!

گفتم: پوشیده بودن کافی است. چرا چادر می خواهی؟ (چرا که ترسیدم با جوی که در آن جا علیه چادر بود توان تحمل این سختی ها را نداشته باشد).

اما او باز هم تأکید کرد:

می خواهیم با لباس رزم زنان ایرانی که الگو و سبیل من بوده اند
شهادتین را بگویم.

به او گفتیم: چه اسمی را انتخاب کرده اید؟

گفت: زینب.

گفتم چرا؟

گفت تحقیق کرده ام دیدم حضرت زینب-سلام الله علیها- زن صبور، مقاوم و کاملی
بوده است.»

-3

وظایف شیعیان در دوران غیبت کبری (دوران انتظار)

1- شناخت حجت خدا و امام عصر (عج)

به طریق شیعه و اهل سنت از پیامبر گرامی اسلام (ص) و ائمه معصومین (ع)، نقل شده ، آمده است که :

«من مات و لم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة» (11)

در یکی از دعا‌های معروف و معتبری که شیخ صدوق آن را در کتاب «کمال‌الدین» نقل کرده ، می‌خوانیم :

«اللهم عرفنی نفسک فانک ان لم تعرفنی نفسک لم اعرف نییک اللهم عرفنی نییک فانک ان لم تعرفنی
تبییک لم اعرف حجتک اللهم عرفنی حجتک فانک ان لمتعرفنی حجتک ضللت عن دینی اللهم
لا تمتنی میته جاهلیه و لا ترع قلبی بعد اذهدیتنی...» (13)

«بار الها! خودت را به من بشناسان که اگر خود را به من شناسانی پیغمبرت را نخواهم شناخت ،
بار الها! پیغمبرت را به من بشناسان که اگر پیغمبرت را بهمن شناسانی حجت تو را نخواهم شناخت .
بار الها! حجت خود را به من بشناسان که اگر حجت را به من، شناسانی از دینم گمراه می‌گردم،
خداوندا! مرا به مرگ جاهلیت نمرانو دلم را از (حق) پس از آنکه هدایت فرمودی منحرف مگردان
...»

2- تهذیب نفس و کسب فضائل اخلاقی

وظیفه مهم دیگری که هر شیعه منتظر بر عهده دارد تهذیب نفس و آراستن خود به اخلاق نیکو است،
چنانکه در روایتی که نعمانی به سند خود از امام صادق (ع)، نقل می‌کند آمده است :

«من سره ان يكون من اصحاب القائم، فليتنظر، وليعمل بالورع ومحاسن الاخلاق، و هو منتظر، فان مات و قام القائم(ع)، بعده كان له من الاجر مثل الاجر من ادركه فجدوا و انتظروا، هنيئا لكم ايها العصابة المرحومة». (16)

«هر کس دوست می‌دارد از یاران حضرت قائم(ع)، باشد باید که منتظر باشد و در این حال به پرهیزکاری و اخلاق نیکو رفتار نماید، در حالیکه منتظر باشد، پس چنانچه بمیرد و پس از مردنش قائم(ع)، بپاخیزد، پاداش او همچون پاداش کسی خواهد بود که آن حضرت را درک کرده است، پس کوشش کنید و در انتظار بمانید، گوارا باد شمارا ای گروه مشمول رحمت خداوند.»

در توقیع شریفی که از ناحیه مقدسه حضرت صاحب الامر به مرحوم شیخ مفید، رحمه الله علیه، صادر گردیده، اعمال ناشایست و گناهانی که از شیعیان آن حضرت سر می‌زند، یکی از اسباب ویا تنها سبب طولانی شدن غیبت و دوری شیعیان از لقای آن بدر منیر شمرده شده است:

«فما يحبسنا عنهم الا ما يتصل بنا مما نكرهه، ولا نؤثره منهم» (17)

«... پس تنها چیزی که ما را از آنان (شیعیان) پوشیده می‌دارد، همانا چیزهای ناخوشایندی است که از ایشان به ما می‌رسد و خوشایند ما نیست و از آنان انتظار نمی‌رود.»

3- پیوند با مقام ولایت

حفظ و تقویت پیوند قلبی با امام عصر (عج) و تجدید دایمی عهد و پیمان با آن حضرت یکی دیگر از وظایف مهمی است که هر شیعه منتظر در عصر غیبت بر عهده دارد. بدین معنا که یک منتظر واقعی حضرت حجت (ع)، علی رغم غیبت ظاهری آن حجت الهی هرگز نباید احساس کند که در جامعه رها و بی مسؤولیت رها شده و هیچ تکلیفی نسبت به امام و مقتدای خود ندارد .

این موضوع در روایات بسیاری مورد تاکید قرار گرفته است که در اینمجال به برخی از آنها اشاره می کنیم :

در روایتی که از امام محمد باقر (ع) نقل شده آن حضرت در تفسیر اینکلام خدای تعالی: «یا ایها الذین آمنوا اصبروا و صابروا و رابطوا و اتقوا لله لعلکم تفلحون» فرمودند :

«اصبروا علی اداء الفرائض و صابرو عدوکم و رابطوا امامکم [المنتظر (18)]

«بر انجام واجبات صبر کنید و با دشمنانتان پایداری کنید، و پیوند خود را با امام منتظران مستحکم نمایید.»

همچنین امام صادق (ع)، در روایت دیگری که در تفسیر آیه مزبور وارد شده می‌فرمایند :

«اصبروا على الفرائض، و صابروا على المصائب و رابطوا على الاثمه (19)»

«بر واجبات صبر کنید و یکدیگر را بر مصائب به صبر وادارید و خود را بر پیوند با امامان [و یاری آنها] ملتمز سازید».

در روایتهای متعددی امامان ما شیعیان خود را به تجدید عهد و بیعت با امام زمان خود سفارش کرده و از آنها خواسته‌اند که در آغاز هرروز و حتی بعد از هر نماز واجب، دعای عهد بخوانند، همه نشان از اهمیت پیوند دائمی شیعیان با مقام عظمای ولایت و حجت خدا دارد .

یکی از مشهورترین دعاهاى عهد، دعایی است که مرحوم سید بن طاووس آنرا در کتاب ارزشمند «مصباح الزائر» به نقل از امام صادق (ع)، روایت کرده و درابتدای آن آمده است که :

«من دعا بهذا الدعا اربعين صباحا كان من انصار القائم (ع)، و ان مات قبل ظهوره احياه الله تعالى، حتى يجاهد معه، و يكتب له بعدد كل كلمه منه الف حسنه، و يمحي عنه الف سيئه و ...»

«هر کس چهل روز این دعا را بخواند از یاوران حضرت قائم (ع) خواهد بود، و اگر پیش از ظهور آن حضرت بمیرد، خدای تعالی او را زنده خواهد کرد، تا در رکاب آن جناب جهاد نماید. و به شماره هر کلمه از آن هزار حسنه برایش نوشته می‌شود، و هزار کار بد از او محو می‌گردد.»

در توقیع شریف آمده است :

«لو ان اشیاعنا، و فقههم الله لطاعته، علی اجتماع من القلوب فی الوفاء بالعهد علیهم لما تاخر عنهم الیمن بلقائنا و لتعجلت لهم السعادة بمشاهدتنا علی حق المعرفة و صدقها منهم بنا». (22)

«اگر شیعیان ما که خداوند آنان را در اطاعتش یاری دهد، در وفای پیمانی که از ایشان گرفته شده یکدل و مصمم باشند، نعمت لقای ما از آنان به تاخیر نمی افتد و سعادت دیدار ما برای آنها با معرفت کامل و راستین نسبت به ما تعجیلی گردد.»

11-المجلس ، المولی محمد باقر ، پیشین ، ج 8 ، ص 368 و ج 32 ، ص 321 و 333 ; همچنین ر .
ک: القندوزی حافظ سلیمان بن ابراهیم ، ینابیع المودة ، تهران ، اسوه 1416 ق ، ج 3 ، ص 372 .

12-الکلینی، محمد بن یعقوب، پیشین ، ج 1، ص 371، ح 5.

13- الصدوق ، ابو جعفر محمد بن على بن الحسين ، پيشين ، ج 2، ص 512.

14- الموسوى الاصفهاني، ميرزا محمد تقى، پيشين ، ج 2، ص 107.

15- الكليني ، محمد بن يعقوب ، پيشين ، ج 1، ص 194، ح 1.

16- النعماني ، محمد بن ابراهيم ، پيشين ، ص 200، ح 16.

17- سورة ال عمران ، آيه 200.

18- النعماني ، محمد بن ابراهيم ، پيشين ، ص 199 ، همچنين ر.ك: البحرانى السيد هاشم الحسينى،

البرهان فى تفسير القرآن، تهران، قم ، دارالكتب العلميه ،بى تا، ج 1، ص 334، ح 4.

19-البحرانی ، السید ہاشم الحسینی ، پیشین ، ج 1 ، ص 334 ، ح 2 .

20-ر . ک: ماخذ پیشین .

21-المجلسی، مولی محمد باقر ، پیشین ، ج 102 ، ص 111.

22-همان ماخذ .